



قدرت نرم جمهوری اسلامی: مناسب‌ترین راه برای مقابله با آماج جنگ نرم

محمودرضا گلشن پژوه^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۵

چکیده

اعمال قدرت از طریق جذب و هم‌زمان پرهیز از هرگونه اجبار و تطمیع، گستره‌ای بسیار متنوع و جذاب و در عین حال حساس و ظریف را در برابر دولتمردان یک کشور قرار می‌دهد. می‌توان گفت در جهان به‌شدت جهانی‌شده کنونی، دولت‌هایی که بتوانند تصویر و وجهه درخشان و جذابی از خود نزد افکار عمومی جهانی ارائه نمایند، از ابزار عمیق و غالباً مقبول در پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود بهره‌مند شده و در فضای به‌شدت رقابتی کنونی، امکان تأثیرگذاری مقتدرانه‌تر و مهم‌تر از آن پایدارتری را در تعاملات منطقه‌ای یا بین‌المللی یافته‌اند. در این راستا مقاله حاضر تلاش دارد تا با ارائه تصویری واضح از معنای قدرت نرم و تمرکز بیشتر بر وجه فرهنگی آن، منابع آن را معرفی نموده و از همین منظر به بررسی منابع و ابزارهای اقتدار نرم جمهوری اسلامی ایران بنشیند. ارائه دیدگاه‌هایی پیرامون نحوه مقابله با جنگ نرم تحمیلی با استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم کشور، بخش مهم دیگری از این مقاله را تشکیل می‌دهد. فرضیه اصلی مقاله آن است که مؤلفه‌های اقتدار نرم جمهوری اسلامی ایران خصوصاً در حوزه فرهنگ، علم، هنر و همچنین معانی معنوی انقلاب اسلامی، چنان جذابیت‌هایی را به همراه دارد که نه تنها می‌تواند نظام را در مبارزه با آماج جنگ نرم غرب به‌خوبی یاری رساند، بلکه باعث ارتقای قدرت و امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز خواهد گردید.

واژگان کلیدی

اسلامیت، ایرانیت، جنگ نرم، فرهنگ، قدرت نرم.

۱- دکترای روابط بین‌الملل، معاون پژوهشی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
(mrgp_1@yahoo.com)

خوب است گاهی از خود پرسسیم اگر به ما یک ویت‌ترین می‌دادند و از ما می‌خواستند تا جذاب‌ترین مفاهیم و اجناس مرتبط با فرهنگ و ایمان و تمدنمان را در آن به نمایش بگذاریم، به عنوان یک ایرانی مسلمان و با توجه به روان‌شناسی افکار عمومی جهانی چه چیزهایی را برای نمایش انتخاب می‌کردیم؟

مقدمه

«قدرت نرم» در معنای مصطلح آن عبارت است از: «تأثیرگذاری بر دیگران و همراه ساختن آنان با خود با اتکا به قدرت جذب، بدون آن که در این میان از اعمال زور، تهدید و یا اغوا و فریب‌کاری استفاده شود». (نای، ۱۳۸۷)

با مدنظر قرار دادن این تعریف، مقاله حاضر تلاش دارد تا ضمن مروری بر چیستی مفهوم قدرت نرم، بررسی ابزارهای اعمال آن و همچنین شناسایی بخش‌هایی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مشخصاً به این پاسخ برسد که چگونه می‌توان از آن مؤلفه‌ها برای مقابله با جنگ نرمی که سال‌هاست بر کشور تحمیل شده و با گسترش ابزارهای رسانه‌ای وسعت و تنوع بسیاری نیز یافته، بهره برد؟

لازم به ذکر است این مقاله با پیش‌فرض قرار دادن معنای اشاره شده از قدرت نرم در ابتدا، تلاش دارد تا چارچوب تحلیلی خود را بر نگاهی متعادل و منطبق با تعاریف مصطلح و رایج کنونی در فضای بین‌المللی (که لزوماً با برداشت غالب موجود در فضای کارشناسی ایرانی از مفهوم قدرت نرم یکسان نیست) قرار دهد. با این حال در بخش مرتبط با یافتن مؤلفه‌های قدرت نرم ایرانی و شیوه بهره‌گیری از آنان در مقابله با جنگ نرم، رویکرد و نگاهی بومی نیز مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. با این تفصیل، فرضیه اصلی مقاله آن است که مؤلفه‌های اقتدار نرم جمهوری اسلامی ایران به خصوص در حوزه فرهنگ، علم، هنر و همچنین معانی بلند معنوی انقلاب اسلامی، چنان جذابیت‌هایی را به همراه دارد که می‌تواند نه تنها نظام را در مبارزه با آماج جنگ نرم غرب به‌خوبی یاری رساند، بلکه باعث ارتقای قدرت و امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز خواهد گردید.

قدرت نرم، یک ارزیابی مفهومی

مفهوم و ساخت عبارت «قدرت نرم» برای نخستین بار توسط «جوزف نای»، نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان «استعاره گمراه‌کننده سقوط» در نشریه آتلانتیک در مارس ۱۹۹۰ مطرح گشت. (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۷) بنا بر ادعای نای، این نخستین بار بود که دو

کلمه قدرت و نرم در کنار هم قرار می‌گرفتند. در طی این ۳۰ سال، بیشترین منابع و مطالب مربوط به این وجه از قدرت، به خصوص تأثیر و عملکرد آن در سیاست خارجی و روابط بین کشورها، از طرف این استاد سابق دانشگاه هاروارد ارائه شده است.

اعمال قدرت از طریق جذب، آن‌گونه که مخاطب آن‌چه را که ما می‌خواهیم و می‌پسندیم، بخواهد و بپسندد و هم‌زمان با پرهیز از هرگونه اجبار و تطمیع همراه باشد، گستره‌ای بسیار متنوع و جذاب و در عین حال حساس و ظریف را در بر می‌گیرد. گستره‌ای به تمامی خارج از چارچوب چماق و هویج. شاید بتوان به اطمینان ادعا نمود در تمام طول تاریخ، اعمال نفوذها، اعمال قدرت‌ها و حتی دعوت‌هایی که با استفاده از زبان مهربانی و هم‌دلی صورت گرفته، تأثیر و ماندگاری بیشتری داشته‌اند. نزدیک‌ترین مثال در این مورد، خلق زیبا و محمدی خاتم انبیاست (ص) که پروردگار رحیم، خود آن را عاملی اساسی در جذب و جلب قلوب به سوی پیام این پیام‌آور بی‌همتا دانسته است.

همین مؤلفه‌ها را می‌توان با میزانی از تغییر در گستره و ابزار، در زمام‌داری و تعاملات بین‌المللی کشورها دید. تاریخ گواهی می‌دهد کشورهای که به شکلی ماهرانه از ابزارهای فرهنگ، تمدن، اعتقاد و باور عمومی، تاریخ و جغرافیای خویش برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران استفاده کرده‌اند، در صحنه سیاست جهانی اقتداری به مراتب ماندگارتر و مؤثرتر یافته‌اند و آنانی که تنها به زور و نیروی نظامی و سخت خویش متکی بوده‌اند، بارها و بارها مجبور شده‌اند برای نیل به هدفی حتی کوتاه مدت، بیش از پیش چنگ و دندان نشان دهند و وجهه خود و ملت خویش را به آرامی به اضمحلال برسانند. سقوط مداوم و شتاب‌ناک وجهه و تصویر ایالات متحده آمریکا در دوران زمام‌داری «بوش پسر» که ما فرصت درک و دیدن آن‌را داشته‌ایم، در نزد افکار عمومی جهانیان، از زمره نزدیک‌ترین واقعیت‌های تأیید کننده این فرضیه است.

با این مقدمه، می‌توان مفهوم قدرت نرم را بهتر درک کرد. قدرت نرم، توانمندی بازیگر برای جذب را به نمایش می‌گذارد و از آنجا که پایداری جذب نیز به قابل اعتماد بودن بستگی دارد، بنابراین می‌توان گفت قدرت نرم هیچ‌سختی با اغوا و فریب ندارد؛ چون مخاطب دیر یا زود خواهد فهمید که مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. شاید به همین دلیل است که تبلیغات (به معنای پروپاگاندا) در قدرت نرم جای ندارد؛ چرا که غالباً بر مبنای اغوای مخاطب طراحی شده است.

در این میان توجه به سه نکته ظریف ضروری است:

❖ نخست آن‌که نمی‌توان و نمی‌بایست هرگونه هدف از پیش تعیین شده از سوی یک

بازیگر در جریان پروسه اعمال قدرت نرم بر مخاطب را، توطئه و سودجویی نامید. طبیعی است که آمریکا از صنعت هالیوود به نفع خود بهره‌برداری نماید، فرانسه از صنعت توریسم خود به نفع منافع ملی خود استفاده کند، ژاپن بهره‌برداری دیپلماتیک از کاراکترهای کارتونی خود که در سطح جهان محبوب و شناخته شده‌اند بنماید، چین پشت سر نمایش قدرت اقتصادی خود، سیاست‌هایش را پیش ببرد و همین‌طور طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران با الگوسازی از فرهنگ پایداری، دلیرمردی و ایثار جوانان خود در جنگ تحمیلی، به ارائه الگوی موفق فرهنگی از نظامی دینی و مردمی مبتنی بر استقلال از نفوذ قدرت‌های جهانی دست یازد. همان‌گونه که ذکر شد در جهان کنونی، کشورها همگی تلاش دارند تا نظر دیگران را به داشته‌های خود جلب نموده، از آن طریق به تسهیل کاربست سیاست‌ها و اهداف خود یاری رسانند و لذا در این میان هرچه ابزار خالص‌تر، باورپذیرتر، کاربردی‌تر و دل‌نشین‌تر باشد، امکان به هدف نشستن آن نیز بیشتر خواهد بود.

❖ دومین نکته نیز آن است که با مفروض نهادن تناسب قدرت نرم با «اقتناع» و نه «اغوا»، هرآنچه در فضای عملیات روانی و فریب قرار می‌گیرد، از حوزه شمول قدرت نرم خارج خواهد شد. با این توصیف اقداماتی همچون راه‌اندازی انقلاب‌های مخملین و یا تدارک تهاجم فرهنگی، معانی‌ای جنگ نرمی پیدا می‌کنند و نه قدرت نرمی. (بلیک، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

❖ سومین نکته آن‌که بیشترین میزان تأثیر قدرت نرم زمانی حاصل می‌شود که «در حوزه ارزش‌های مشترک» اعمال شود. (http://en.wikipedia.org/wiki/soft_power) در حقیقت اگر موضوع مد نظر کشور اعمال‌کننده قدرت نرم و کشور هدف در طیف ارزش‌های هر دو طرف قرار گیرد، امکان نفوذ و تأثیرگذاری آن به مراتب بیشتر خواهد بود؛ در غیر این صورت می‌توان از آن نه به‌عنوان قدرت نرم، بلکه حتی «تهدید نرم» نام برد.

ابزارهای اعمال قدرت نرم

«جوزف نای» مهم‌ترین منابع قدرت نرم را در چارچوبه‌های جذابیت فرهنگی، ارزش‌های راستین و سیاست خارجی مناسب (زمانی که در چشم ناظران دارای مشروعیت باشد) می‌بیند، (نای، ۱۳۸۷، ص ۵۱) اما در حوزه ابزارها، به دسته‌بندی خاصی اشاره نمی‌کند. شاید بتوان گفت به‌نوعی مثال‌هایی که وی در راستای توصیه به بهبود مؤلفه‌های قدرت نرم آمریکا به زمامداران این کشور می‌کند، برخی از این ابزارها را آشکار می‌سازد: مواردی همچون پذیرش دانشجویان خارجی، سرمایه‌گذاری بر روی علم، پرهیز از اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه و تکرانه در صحنه بین‌الملل و ...

با این حال شاید بتوان گفت که در کنار برخورداری بازیگران عرصه بین‌الملل از برخی

مشترکات در حوزه مؤلفه‌های قدرت نرم، ابزارهای اعمال قدرت نرم در هر کشوری متناسب با ویژگی‌های خاص آن قابل تغییر و تبیین است. این امر حتی می‌تواند در برخی کشورها، ابزارهایی کاملاً متضاد را در بر گیرد؛ گو این‌که در برخی کشورها توریسم تفریحی از حوزه‌های قدرت نرم و در برخی دیگر به‌نوعی ضد ارزش تلقی می‌شود. با این توصیف با در نظر گرفتن مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، ابزارهای ارتقای قدرت نرم ایران، با توجه به شاخصه‌ها و ویژگی‌های خاص نظام جمهوری اسلامی، به شرح ذیل تبیین می‌شود:

ابزارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ✓ ابزارهای عام

نخستین برداشتی که از مفهوم قدرت نرم وجود دارد، ویژه ادبیات مختص به آن است که از سال ۱۹۹۰ تاکنون در رسانه‌های بین‌المللی رشد و گسترش یافته است. این بدان معناست که اگر اکنون لفظ «Soft Power» را در اینترنت جستجو نمایم، بیش از ۹۰ درصد مطالب، مربوط به ابزارهایی از قدرت نرم می‌گردند که توسط بخش عمده‌ای از کارشناسان و روزنامه‌نگاران در کتاب‌ها و مقالات متعدد در طی ۲۰ سال گذشته به عنوان ابزارهای اصلی اعمال قدرت نرم بازناسانده شده‌اند. بر همین منوال اغلب مطالبی که در خصوص قدرت نرم چین، هندوستان، آمریکا، کشورهای امریکای لاتین و یا کشورهای اروپایی قابل دستیابی است، مربوط به تلاش آنان در راه بهبود صنعت سینما، پویانمایی، گردشگری، هنرهای دستی، غذاهای محلی، فولکلور، مدهای محلی، کمک‌های مالی و فنی به دیگر کشورها، دیپلماسی عمومی جذاب و از این‌گونه موارد است.

بر این اساس می‌توان ادعا نمود در فضای کنونی روابط بین‌الملل، یکی از محورهایی که تصویر کشوری را در نگاه افکار عمومی برجسته می‌سازد و به نوعی ابزار اعمال قدرت نرم آن کشور به حساب می‌آید، داشته‌ها و ذخایر فرهنگی، هنری و تمدنی آن است. این‌که چین تلاش دارد تا با گسترش مراکز مبلغ آیین کنفوسیوس در سراسر جهان فرهنگ خود را به دیگران بشناساند، این‌که آلمان به مراکز آموزش زبان گوته و انگلستان به British 'Council های خود در نقاط مختلف جهان بسیار اهمیت می‌دهند، این‌که ژاپنی‌ها به مدد همه‌گیر شدن محبوبیت شخصیت‌های کارتونی خود توانسته‌اند تعداد فراگیران زبان ژاپنی، توریست و همچنین زائر به این کشور را افزایش چشمگیر دهند (Public Diplomacy Magazine, 2010: 104)، این‌که مصر به تمدن و آثار و ابنیه فراوانه

می‌بالد و غالب درآمد کشور چشم به راه توریسم می‌شود، این‌که ترکیه با تولید سریال‌های تلویزیونی هماهنگ با سنت‌های اسلامی، افکار عمومی جهان عرب را به سوی خود جلب می‌کند (Daily News, 2010)، این‌که صنایع دستی هند در هرکجای جهان می‌تواند معرف فرهنگ متکثر و متنوع آن باشد، همه نشان از آن دارد که کشورها می‌دانند ابزارهای ریشه‌داری همچون تمدن و فرهنگ در دنیای به‌شدت رسانه‌ای شده امروزی، نقش به‌سزایی در ذهنیت‌سازی از خود برای دیگران دارد. (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۲۲۱)

در این راستا، ایران نیز داشته‌های بسیاری برای ارائه دارد:

- ❖ نمادهای زیبای ملی همچون آیین‌ها و سنن عمیق و معنادار باستانی؛
 - ❖ ادبیات مقتدر و کهن فارسی (با قدرت درهم نوردیدن مرزهای فرهنگی کشورها با مولانا و حافظ و سعدی و ...)
 - ❖ هنرهای متنوع و زیبای دستی؛
 - ❖ عناصر پایدار و خلیات پسندیده ملی (همچون خداواری، میهن‌پرستی، نگاه زیبا، متعادل و محافظ نسبت به طبیعت، تساهل و مدارا و همچنین مهمان‌نوازی، ...).
- در کنار این موارد، نمادهای عمیق مذهبی و معنوی ایرانیان همچون تشیع، خدامحوری، شهادت، ایثار، ظلم‌ستیزی و اعتقاد به منجی نیز از انسان ایرانی الگوی انسانی متعادل میان معنا و ماده و دنیا و عقبی را به نمایش می‌گذارد. این خصوصیات معنوی، به‌ویژه در جهان امروزی گمگشته در میان بی‌معنایی و ایمان‌های رنگارنگ اما ناچسب، ظرفیتی عظیم را برای جذب به‌سوی الگوی فرهنگ و انسان ایرانی فراهم می‌آورد که نبایست از اهمیت و کارآمدی آن غافل شد.

در مجموع تقویت عناصر مقتدر فرهنگ اسلامی و ایرانی همچون مواردی که در بالا ذکر شد، می‌تواند با توجه به فرصت‌های ایجاد شده بر اثر جهانی‌شدن، راهکار مناسبی برای ارتقای قدرت نرم ایران در صحنه‌هایی باشد که اکنون و به‌طور طبیعی در برابر چشمان میلیاردها انسان در سراسر جهان قرار گرفته است. در حقیقت با وجود گسترش و همگانی شدن دیدگاه مبتنی بر «فرهنگ جهانی شده»، دیدگاهی دیگر نیز به‌گونه‌ای موازی در حال رشد است که عنوان می‌دارد با وجود ابزارها و رسانه‌های متنوع برای پیام‌رسانی، امکان شناساندن یک فرهنگ بومی یا سنتی نیز به همان میزان شناساندن یک فرهنگ در حال گسترش - همانند فرهنگ غرب - به وجود آمده و لذا اگر سیاست‌مداران و مسئولان فرهنگی یک کشور بتوانند از این فرصت به نحو احسن استفاده نمایند، دهکده جهانی ابزار میان‌بری برای تقویت و تبلیغ فرهنگ خودی خواهد بود. به همین دلیل می‌توان انتظار

داشت اگر جمهوری اسلامی بتواند از ظرفیت‌های بسیار غنی دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی خود برای جلب توجه افکار عمومی جهان به توانمندی‌های ذاتی خود استفاده نماید، بهترین فرصت برای گسترش مؤلفه‌های قدرت نرم ایران فراهم خواهد شد.

۷ ابزارهای منحصر به فرد

وقوع انقلاب اسلامی در اواخر دهه ۷۰ میلادی، جهان‌بینی بسیار متفاوتی را در فضای تقابل‌های جنگ سردی، آن‌هم در یکی از راهبردی‌ترین مناطق جهان مطرح نمود که با جذب و الهام‌بخشی بخش قابل توجهی از افکار عمومی جهان توانست پیامی جذاب، منطبق با فطرت، ظلم‌ستیز و رهایی‌بخش را تولید و توزیع نماید. این امر سبب گردید تا انقلاب اسلامی به خودی خود دارای مؤلفه‌هایی گردد که منبع اقتدار نرم به حساب می‌آیند. در حقیقت مشروعیت سیاسی حاصل از خواست و اراده مردم، نزدیکی بسیار میان مردم و مسئولان، وحدت قومی و نژادی منبعث از دین و ملیتی یکسان، رواج فرهنگ‌های ایثار، از خودگذشتگی و ترجیح دادن دیگری بر خود منبعث از عقاید اسلامی، الهام‌بخشی پیام و نگاه نظام جمهوری اسلامی برای بسیاری از ملل مظلوم منطقه و جهان همگی از ویژگی‌های خاص قدرت نرمی بود که بر اثر انقلاب اسلامی حاصل گشت.

وجود و حصول سه فاکتور «کارآمدی»، «مقبولیت» و «اعتماد ملی» در قالب بسته‌ای بزرگ‌تر به نام «مشروعیت سیاسی نظام» همچنین بحث سرمایه اجتماعی (میلسن، ۱۳۸۸: ۲۷)، همان‌گونه که اشاره شد، از جمله محورهایی بود که در طول سه دهه پس از انقلاب همواره خاصیت جذب قلوب و افکار را به خصوص در فضای داخلی و در کنار آن در چشم ناظران خارجی حفظ کرده است. این‌که یک نظام نوپای اسلامی مبتنی بر خواست مردم، به عنوان نظامی که تاکنون شبیهی برای آن متصور نبوده، بتواند کارآمدی خود در رسیدگی به خواسته‌های شهروندان را نشان دهد، در کنار آن از مقبولیت مناسب مردمی برخوردار بوده و در هر زمان که احساس نیاز کند بتواند از همراهی و پشتیبانی مردمش بهره‌مند گردد؛ و این‌که نظامی آن‌قدر اعتبار داشته باشد که در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی شهروندان به ساختارهای آن اعتقاد داشته و به راه‌های مختلف اعتماد خویش را به آن‌ها نشان دهند، از حوزه‌هایی است که نه تنها قوام‌بخش مشروعیت نظام در محیط داخلی است، بلکه در چشم مخاطب خارجی نیز به عنوان یک کل همگون، جذابیت داشته، الهام‌بخش آنان نیز می‌شود.

از سویی دیگر وجود وحدت در میان اعضای متشکله یک جامعه و هم‌خوانی نیازها، خواسته‌ها و دیدگاه‌های آنان، نقش مؤثری در ایجاد انسجام و وفاق ملی بازی نموده،

آسیب‌پذیری نظام از بابت اختلاف سلیق و منافع را به حداقل ممکن می‌رساند. همچنین جاری بودن حس غرور و اعتماد به نفس ملی نیز، تکمیل‌کننده این امر بوده، کشور را در جهت نیل به اهداف بلندپروازانه خود یاری می‌رساند. در هردوی این موارد، انقلاب اسلامی توانست پایه‌هایی مستحکم را بنا نهد که با وجود ناملایماتی همچون جنگ تحمیلی و یا فشارهای همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ جهانی، نه تنها تضعیف نگردید، بلکه اقتداری دوچندان یافت و اجازه نداد وجبی از خاک این کشور به دست دشمنان افتاده، کوچک‌ترین توطئه مبتنی بر جدایی و تفرقه کارگر شود.

بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم در تقابل با جنگ نرم تحمیلی علیه نظام

درخصوص ارتباط ارگانیک میان قدرت نرم و جنگ نرم می‌توان دو نگاه سلبی و ایجابی را مورد بازشناسی قرار داد. در نگاه سلبی، قدرت نرم ابزاری است مبتنی بر آموزه‌های لیبرالیستی که اصل عملکردی خود را بر مبنای تغییر در باورها، ارزش‌های بنیادین، هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری کشورهای مورد آماج در عرصه‌های مختلف قرار می‌دهد (نائینی، ۱۳۸۹: ۱). در حقیقت در این نگاه، به‌نوعی جنگ نرم و قدرت نرم به‌عنوان دو روی یک سکه دیده می‌شوند که هدف هردو مغلوب‌سازی حریف و تهی‌نمودن آن از ارزش‌ها و توانمندی‌های خود در کنار پیشبرد اهداف و منویات کشور مهاجم است.

در مقابل در نگاه ایجابی، بیشتر به توانمندی‌های قدرت نرم نه برای کشور هدف، بلکه برای کشور استفاده‌کننده و بهره‌مند از این ابزار توجه می‌گردد. در حقیقت در این دیدگاه به همان اندازه توجه و تمرکز بر شیوه‌های اعمال قدرت نرم حریف، به توانمندی‌ها، روش‌ها و ابزارهای قدرت نرم خود نیز توجه شده و بر ارتقای کمی و کیفی آن تأکید می‌شود. هرچند این دو نگاه به هیچ‌عنوان نافی یکدیگر نمی‌باشند با این حال نکته ظریفی در این میان وجود دارد و آن این‌که تمرکز بر آسیب‌شناسی و تهدیدشناسی منابع و ابزارهای قدرت نرم، ناخودآگاه و بیش از هرچیز توجه ما را برآن‌چه دشمن در حال انجام دادن آن است متمرکز ساخته، با ایجاد فضایی دفاعی، ما را از توانمندی‌های خودمان غافل می‌سازد. متأسفانه این رویکرد، تبدیل به رویکرد غالب در دیدگاه‌ها و مقالات کارشناسان و سیاست‌سازان کشور شده، به‌نظر می‌رسد به هنگام برنامه‌ریزی و تدبیر برای مقابله با تهدیدات نرم، بدون آن‌که نگاهی نیز به جنبه‌های آفندی باشد، اغلب تمرکز بر نگاهی دفاعی است؛ بدین معنا که همواره و به هنگام صحبت از جنگ و یا تهدیدات نرم، تلاش می‌شود تا با شناسایی حوزه‌ها و منافذ نفوذ تهدیدات نرم، خطرات بالفعل و بالقوه شناسایی شده، رهیافت‌های مناسب برای مقابله با آن‌ها و ایجاد یک آرایش مناسب دفاعی تدوین گردد. این رویکرد،

دو نقص و مشکل عمده دارد:

❖ نخست این‌که کشور هدف همواره یک قدم از مهاجم و تهدیدکننده عقب خواهد بود. در حقیقت مهاجم مبتکر است و مدافع منفعل. اولی بی‌نهایت انتخاب دارد و دومی منحصر به روش‌های متناسب با امکانات خود برای مقابله با ابتکار وی. در این راستا به عنوان مثال دشمن و یا رقیب می‌تواند با استفاده از تغییرات آنی و بسیار سریع در حوزه تکنولوژی، به شکلی مدام تهدیداتی را برای نظام ما ایجاد کرده و آن‌را آن‌قدر مشغول نماید که تمام توان و انرژی نظام متمرکز بر دفع تهدیدات متنوع و متغیر وارده از سوی مهاجم شود.

❖ دوم آن‌که در این نگاه، به شکلی طبیعی فضای آفند و تهاجم متقابل از سوی «مدافع» نادیده گرفته می‌شود. در حقیقت ظرفیت‌های بسیاری با این رویکرد از بین رفته، امکان و حتی توان ابتکار عمل نیز از نظام گرفته می‌شود. هرچند در این میان خطر به دام نوعی دیگر از افراتادن نیز وجود دارد و آن تمایل عجولانه به سمت اتخاذ رهیافت‌های تهاجمی و یا حداقل مقابله به مثل با «مهاجم» در کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن است. امری که یقیناً نتیجه‌ای مؤثر به بار نیاورده، بیش از آن‌که سبب توازن در معادله شود، آن‌را به ضرر کشور هدف بر هم خواهد زد. (بلیک، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۵)

ضمن تأکید مجدد بر ارزشمند بودن و مکمل بودن هر دو دیدگاه ارائه شده، در این بخش، نویسنده تلاش خواهد نمود تا با اتخاذ نگاهی ایجابی، راه‌های آفند در حوزه امنیت نرم را با استفاده از ظرفیت‌های قدرت نرم کشور که در متن مقاله به آن‌ها اشاره شد، تعیین و به عنوان شیوه‌ها و حوزه‌های پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی ارائه دهد:

✓ تمرکز بر ویژگی‌های ممیزه انقلاب اسلامی ایران

عناصری همچون آزادی‌خواهی، رهایی از ظلم، رسیدن به حق تعیین سرنوشت، ارتقای رابطه میان ملت و حکومت در بستر مقبولیت و اعتماد دوجانبه، بهبود وضعیت نابسامان اقتصادی، خارج شدن از یوغ استعمار و بسیاری از موارد مشابه، علل و اهدافی هستند که می‌توان آنان را در بسیاری از انقلاب‌ها و تغییرات بنیادین حاصله در تاریخ مشاهده نمود. با این حال برخی از انقلاب‌ها وجوه متمایز و کاملاً شاخصی دارند که آن‌ها را از دیگر تحولات مشابه جدا می‌سازد. انقلاب ایران نیز از این نگاه دارای وجوه متمایزی بود که می‌تواند در صورت مدیریت مناسب، اقتدار نرم حال و آتی آن محسوب گردد. یکی از این ویژگی‌ها، «اخلاقی بودن علت انقلاب» است. در حقیقت انقلاب اسلامی انقلابی از جنس و برای فرهنگ بود. سیاست‌زدگی و اقتصادگرایی افراطی، جایی در اصل انقلاب نداشت. (افروغ، ۱۳۸۹: ۱۰) در واقع در کنار هدف‌هایی همچون عدالت و آزادی، تلاش برای رسیدن به اخلاق

و معنویت، رکن اساسی انقلاب و دلیل حقیقی آن بود و این امر یقیناً می‌تواند در صورت مدیریت مناسب قوی‌ترین وجه قدرت نرم نظام محسوب گردد. این‌که وقتی دیگران به این انقلاب می‌نگرند ناخودآگاه جذب قدرت معنوی و الگوسازی آن در رواج اخلاق در جامعه و حکومت باشند، خود می‌تواند بهترین تبلیغ برای نظام، عنصری اساسی در پیشبرد اهداف عالیه انقلاب نزد ملل مختلف و همچنین یکی از موانع مقتدر در مقابله با هجوم فرهنگ‌های بی‌ریشه و فاقد معنایی باشد که در زمان حاضر، همواره مترصد به تهدید و آفند علیه سایر فرهنگ‌ها و ملل جهان می‌باشند. یکی دیگر از حوزه‌های اقتدار نظام ایران، «مقبولیت» بالای آن است. مقبولیت را می‌توان در یک تعریف موسع، «میزان علاقه‌مندی مردم به حکومت خود که به روش‌های متعددی همچون میزان مشارکت در تصمیم‌های دولتی، مشارکت در انتخابات‌های گوناگون، راهپیمایی‌ها و مراسم‌های ویژه و حتی جنگ نمود می‌یابد»، دانست؛ لذا در بحث مقبولیت، موضوع مشارکت و حجم و کیفیت آن بسیار حائز اهمیت است. بند «ج» ماده ۱۱۹ برنامه چهارم توسعه نیز یکی از راه‌های ارتقای امنیت عمومی و انضباط اجتماعی را توسعه مشارکت همه جانبه همه ایرانیان، بر اساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی کشور می‌داند.

در هر حال، روشن است که تحقق و تلاش برای ارتقای مفاهیمی همچون مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع و حقوق بنیادین بشر در جامعه، که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز مورد اشاره قرار گرفته، میزان رضایت مردم از نظام و به تبع آن احساس یگانگی آن‌ها با سرنوشت حکومت و سیستم را افزایش خواهد داد. در این صورت، آحاد مردم برای ارتقای مشارکت خود در سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور خویش، نیازی به محرک و مشوق نداشته، مشارکتی خودجوش را ارائه می‌دهند.

هم‌رتبه با مقبولیت، بحث «اعتماد متقابل» نیز از جمله منابع قدرت نرم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. وجود یک رابطه مبتنی بر اعتماد متقابل میان دولت و ملت، یکی از مهم‌ترین ارکان اقتدار یک جامعه سیاسی است. عنصر «از خود دانستن» هم در خصوص ملت، آن‌گونه که حکومت و دولت را از خود بدانند و با آنان احساس نزدیکی نمایند، و هم از ناحیه مسئولان، آن‌هنگام که خود را از مردم دانسته، ایشان را رعایای خویش فرض نکنند، نقشی بسزا در ارتقای اقتدار نرم یک کشور دارد. این امر قابلیت سرایت در تمامی شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این تعامل دوسویه را داراست. به همین خاطر است که می‌بینیم در جمهوری اسلامی دقیقاً در زمان‌هایی که مردم این حس را نسبت به نظام داشته‌اند، مشارکت و حمایت آنان از دولت و برنامه‌هایش در حد اعلی بوده و توانسته بسیاری از نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب سازد. حضور میلیونی مردم

در جبهه‌های جنگ، پشتیبانی همه‌جانبه ملت در پشت جبهه از فرزندان سلحشور خود، تحمل سخت‌ترین تحریم‌ها و کمبودها در دوران جنگ و پس از آن، شرکت صمیمانه در انتخابات‌های متعدد ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، شوراهای شهر و ... و ایستادگی همه‌جانبه آنان در پشت تصمیمات جمعی نظام همچون پافشاری بر حقوق هسته‌ای کشور از جمله نقاط عطف حمایت مردم و ملت ایران از نظام می‌باشد.

در مقابل این حمایت همه‌جانبه، نظام جمهوری اسلامی نیز تأکید ویژه‌ای بر حفظ و استیفای حقوق مردم داشته و دولت‌های متعدد به قدرت رسیده در فاصله زمانی پس از انقلاب تاکنون، همگی فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی خویش، تلاش داشته‌اند تا عنصر مردمی بودن و خاستگاه مردمی داشتن را به عنوان اصلی ثابت و مقدس برای خدمتگذاری و همچنین موفقیت در عرصه‌های فعالیتی خویش نگاه دارند.

از منظری دیگر، ثبات و ارتقای «وحدت ملی» نیز از دیگر ارکان مهم قدرت نرم نظام است. به اعتقاد کارشناسان، وحدت ملی عبارت است: از چگونگی واکنش مردم در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور، هنگامی که وضعی اضطراری همچون براندازی و ایجاد توطئه برای کشور پیش می‌آید. در این مواقع، اگر پایه‌های وحدت ملی محکم باشد، مردم اختلافات جزئی داخلی را کنار می‌گذارند و صفوف را پر می‌کنند. (روشندل، ۱۳۸۷: ۸۰) یکی از مهم‌ترین ارکان تقویت وحدت ملی، کاستن از مقایسه‌ها و اختلافات قومی و مذهبی و تأکید بر عناصر مشترک و منافع ملی است. «منافع ملی» یعنی خیر عموم یا به عبارت دیگر منافع مشترک تمام اقوام و گروه‌های قومی ساکن در یک کشور که خود سرچشمه تمام اعتبار و اقتدار یک ملت است. با این برداشت از منافع ملی است که اقوام ساکن در یک کشور علی‌رغم این که ممکن است از جهت مشخصه‌های قومی، فرهنگی و ... اشتراک و شباهتی با هم نداشته باشند، هویت و شخصیت ملی واحد احساس می‌کنند و منافع، مصالح و مقدرات مشترک خود را یکپارچه و غیرقابل تفکیک و تجزیه می‌دانند؛ لذا زیر بیرق ملی مشترکی که نشان ملی مشترک دارد، احساس هم‌خونی و برادری می‌کنند و هنگام تهدید و خطر، همگی زیر همین پرچم متحد می‌شوند و برای دفاع از استقلال و منافع خود حاضر به جنگ، فداکاری، ایثار و مقاومت می‌شوند، که بهترین تجلی آن را می‌توان در هشت سال دفاع مقدس مردم ایران با پیشینه‌های مختلف قومی، فرهنگی و حتی مذهبی و مقاومت در برابر تجاوزات کشور عراق و جانفشانی‌های جوانان ایران برای دفاع از خاک و سرزمین خود، مشاهده کرد.

۷ در دست گرفتن ابتکار عمل در حوزه جنگ رسانه‌ای

در مباحث جنگ نرم، یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهای موجود برای تهاجم علیه کشور هدف، استفاده از ابزار رسانه است که به خصوص پس از عصر دیجیتال و گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی و ابزارهای اطلاع‌رسانی نوین، اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. در حقیقت در این عرصه، هرچند برخورداری از توان تکنولوژیک و به‌روز بودن در برخورداری از فناوری‌های نوین نقش اصلی و تعیین‌کننده را دارد، اما در همان حال، این موضوع نیز مهم و اساسی است که بدانیم: **شنونده، خواننده یا بیننده، روایت و داستان کدام طرف را می‌پذیرد.** با این نگرش، راه برای استفاده از ابتکارها، خلاقیت‌ها و همچنین ظرفیت‌های بالقوه دولت‌های آماج تهاجم رسانه‌ای قدرت‌های بزرگ روشن‌تر و شفاف‌تر می‌شود. بدیهی است این نگاه، به‌مراتب کارآمدتر، پویاتر و پایدارتر از اقدامات اولیه و دم‌دستی‌ای همچون مقابله فیزیکی با ماهواره و اینترنت خواهد بود.

در کنار اصل استفاده هوشمند از ابزار رسانه، اصول محوری دیگری نیز در راستای جذب مخاطب داخلی و خارجی می‌بایست مورد توجه قرار گیرند. برخی از این محورها عبارتند از:

- ❖ تلاش برای ارائه تصویری متوازن از نیروهای مختلف و فعال در حوزه سیاسی؛
- ❖ نصب‌العین قراردادن اصل انتشار اخبار و تحلیل‌ها بر اساس واقعیات و حقایق؛
- ❖ ایجاد فضایی پلورالیستی در مباحث و تضارب آرا در حوزه رسانه‌های جمعی؛
- ❖ توجه به سلاطین مختلف هنگام طرح‌ریزی برای برنامه‌های رسانه‌ای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و سرگرمی؛
- ❖ پاسخ‌گویی مستدل و حرفه‌ای به فضاسازی‌های مغرضانه رسانه‌های غربی؛
- ❖ تمرکز بیشتر بر اصل سرگرم‌سازی سالم و در عین حال جذاب مردم در برنامه‌های تولیدی و ایجاد تعادل میان برنامه‌های ارشادی و برنامه‌های مفرح؛
- ❖ الگوگیری از روش‌های موفق رسانه‌های بزرگ در جذب مخاطب، بومی‌سازی آن و سپس اتخاذ این الگوها؛
- ❖ برنامه‌ریزی برای حضور پررنگ‌تر کارشناسان و در کل نگاه و دیدگاه ایرانی به مسائل بین‌المللی در فضای مجازی از طریق انتشار دیدگاه‌های آنان در سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی مختلف به‌جهت تأثیرگذاری و یا حداقل آشناسازی مخاطبان جمهوری اسلامی در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- ❖ و در نهایت، ارائه محتوای کارشناسی تولید شده داخل کشور به زبان‌های زنده دنیا برای شناساندن نگاه ایرانی در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ به جهانیان و ... همگی

از جمله ابزارهایی است که می‌توان از آنان برای مقابله با تهاجم رسانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نام برد. یقیناً آنچه در این میان مهم است، هوشمندی و خلاقیت در طرح‌ریزی و به خصوص مدیریت این وظایف است.

✓ بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم کشور در حوزه هنر، فرهنگ، علم و معنویت

تنیده شدن عنصر ایرانیت با عنصر اسلامیت در روح و روان شهروند ایرانی یکی از ظرفیت‌های عظیم قدرت نرم ایران و ایرانی است که متأسفانه هنگام چیرگی مسائل سیاسی و امنیتی بر فضای جامعه و روابط خارجی کشور ناخودآگاه در اولویت‌های دور قرار گرفته و به فراموشی سپرده می‌شود. در صورتی که تحرک مثبت ایرانی در حوزه‌های پایدار جهانی همچون فرهنگ و علم، نه تنها می‌تواند به عنصر «الهام‌بخشی» در عرصه سیاست خارجی کشور یاری برساند، بلکه در بهبود وجهه به‌عمد مخدوش شده نظام از سوی دولت‌های معاند نیز می‌تواند نقش‌آفرینی مؤثر نماید. در حقیقت توانایی ایران در تولید ادبیات فراگفتمانی در حوزه‌های ایرانی - اسلامی با استفاده از ظرفیت‌های موجود در فرهنگ غنی ملی و دینی و ارائه الگویی الهام‌بخش که مارک و مهر ایرانی را بر خود مُمهر دارد، در این راهبرد نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت.^۱ در این راستا می‌بایست توجه نمود که تصویر و مارک ایرانیت یک ایرانی در محیط بین‌المللی با توجه به مجموعه قوانین حاکم در جمهوری اسلامی تجسم یافته و هویت ملی یک ایرانی در محیط بین‌المللی که می‌تواند الهام‌بخش سایر ملل باشد، از محورهای ذیل تبعیت می‌کند:

❖ بند ۴ از اصل دوم قانون اساسی در خصوص نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، مبارزه با استکبار و ظلم ستیزی؛

❖ بند ۶ از اصل سوم قانون اساسی، مربوط به محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛

❖ بند ۱۶ از اصل سوم قانون اساسی، درباره تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان؛

❖ اصل ۱۵۲ قانون اساسی در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی

۱- این پیشنهاد ورای مباحث و کشمکش‌های قلمی اخیر در فضای رسانه‌ای کشور است که نتایج آن ناخودآگاه اسلامیت و ایرانیت را در تقابل با یکدیگر نمایش می‌دهد. ایرانی مسلمان قرن‌هاست که با آرامش خاطر و یقین باطن به زندگی و پیشرفت خود مشغول بوده، نیازی به تمایز قایل شدن و تفکیک در اینگونه واژگان را احساس نکرده است.

کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است؛

❖ اصل ۱۵۴ قانون اساسی که عنوان می‌دارد جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

واضح است به همان میزان که موفقیت جمهوری اسلامی در اجرا و تحقق بندهای فوق باعث تحقق هدف الهام‌بخشی نظام ایران اسلامی برای محیط بین‌المللی و کشورهای جهان اسلام می‌گردد، شکست و تعلق در هر یک از آن‌ها نیز سبب خسران مضاعف و تخریب ماندگار و طولانی وجهه نظام خواهد گردید.

از سویی دیگر، درخشش ایران اسلامی در حوزه‌های تمدنی خود، همچنین الهام‌بخشی نگاه پیشرو و ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه آن برای ساکنان جهان اسلام، به خصوص مسلمانان خاورمیانه (با توجه به تحولات کنونی در رژیم‌های متزلزل خاورمیانه، بیداری اسلامی و جوشش خواست‌های مردم مسلمان منطقه)، نیز از جمله منابع قدرت نرم کشور و همچنین دافع توطئه‌ها و تهدیدات جنگ نرمی معاندان نظام خواهد بود. حضور عناصر مقتدری در فرهنگ تشیع همچون ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم، پذیرش شهادت و جاودانه دانستن روح انسانی، ارزش قائل شدن برای عناصری همچون فداکاری، مروت، ایمان، محبت اهل بیت و جوانمردی و بسیاری موارد دیگر، از عمده تمایزات فرهنگ غنی شیعه با دیگر فرهنگ‌های مذهبی و غیرمذهبی می‌باشد که در زمانه حاضر می‌تواند الهام‌بخش بوده، جذابیت‌های فراوانی را برای ملل مسلمان و حتی غیرمسلمان ایجاد نماید.

یقیناً در این راه آشنایی دقیق با فرهنگ‌های مخاطبان و پرهیز از هرگونه هم‌ذات‌پنداری ساده‌انگارانه با ایشان، پیچیدن پیام‌های صادره در لفافه زبان قابل فهم جهانی، تمرکز بر محورهای مورد توجه و اشتیاق افکار عمومی جهان همچون هنر حقیقی و معنویت گمشده و ارائه محصولات برای این حوزه‌ها و ... از جمله تلاش‌هایی است که احتمال بیشتری در به‌ثمر رساندن آن‌ها در این چارچوب می‌رود.

نتیجه‌گیری

کشور عزیزمان ایران، از هزاران سال پیش تاکنون چه به عنوان کشور و تمدنی بسیار پیچیده و شگفت‌انگیز و در زمره نخستین سرزمین‌های سکونت جمعی بشر در چهار راه

تمدن‌های بزرگ بشری، از یک سو هم‌مرز با هندوستان، از سویی دیگر در مرزهای دائمی با فرهنگ و تمدن بزرگ چین، از سمت غرب هم‌مرز با یونان و امپراطوری روم شرقی، از سمت شمال در مرزهای مواجهه دائمی با روس‌ها و از سمت جنوب نیز اعراب؛ و چه در عصر کنونی به مثابه کشوری با کوله‌باری از تاریخ، فرهنگ و تمدن در قلب بحران‌های حاضر، در شرق، کشور خسته از جنگ و بی‌ثباتی افغانستان؛ در جنوب شرقی، کشور پاکستان با تسلیحات اتمی و در آستانه انفجار ناشی از مناقشات قومی مذهبی و تعارضات گروه‌های افراطی با حکومت نه‌چندان باثبات مرکزی؛ در شمال غرب، آذربایجان هم‌چنان دستخوش چالش‌های ناشی از فروپاشی شوروی؛ در غرب، عراق با جنگ‌ها، آشوب‌ها و ناآرامی‌های داخلی و حضور آشکار و پنهان نظامیان امریکایی و سرانجام در مناطق جنوبی و جنوب شرقی، شیخ‌نشین‌های آسیب‌پذیر خلیج فارس و گذرگاه‌های مهم عبور نفت و از سوی دیگر موقعیت ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه و وارث نخستین انقلاب مذهبی در دنیای جدید؛ همواره در کانون توجهات امپراطورها، شاهان، حکام و در عصر حاضر نیز دولت‌های بزرگ جهان قرار داشته است.

این امر که ایران به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک و برخورداری از منابع عظیم طبیعی و معدنی در جایگاه خاصی قرار دارد بر همگان آشکار است، اما نکته قابل توجه این است که ایران منبع عظیم و دست‌ناخورده‌ای از اقتدار نرم را همواره دارا بوده که شاید بتوان گفت استفاده از آن در وضعیت و موقعیت کنونی، از اوجب واجبات است. فرهنگ غنی، تمدن چند هزار ساله، جاذبه‌های تاریخی و گردشگری، محیط زیست زیبا و دست‌ناخورده، اقتدار عظیم ناشی از نیروی انسانی سرشار، پاک و جوان، ادبیات لبریز از شعرا و شاهکارهای جهانی، سهم دست‌نیافتنی در توسعه علم بشری، جذابیت‌های پایان‌ناپذیر ناشی از فولکلور و اصالت‌های قومی، هنرمندی بی‌پایان در بسیاری از عرصه‌های هنری، زیبایی‌ها و عمق عمیق باورها و دلبستگی‌های مذهبی همراه با امتزاج متعادل دین و حکومت و ده‌ها و صدها مثال دیگر، کرانه‌ای بی‌پایان از منابع اقتدار نرم را در مقابل چشمان ما قرار می‌دهد که از طریق سیاست‌گذاری و مدیریت هوشمندانه آن‌ها می‌توان به سهولت نه تنها به زدایش چهره نامناسبی که دشمنان ایران اسلامی از آن در نزد افکار عمومی جهانی ساخته و پرداخته‌اند، دست زد، بلکه می‌توان در کنار تحکیم اقتدار و امنیت در داخل کشور، منبعی پایان‌ناپذیر نیز به پهنه سیاست‌ها و تعاملات خارجی جمهوری اسلامی ایران اضافه نمود تا از طریق آن، اهداف مقدس نظام اسلامی ایران کاربرد و امکان تحقق بیشتری پیدا نماید.

گزارف نخواهد بود اگر گفته شود امروز ایران و ایرانیان تنها در شرایطی می‌توانند در برابر تهاجمات بیگانگان مقاومت کنند که با تکیه بر فرهنگ و تمدن و تاریخ غنی (نمادهای

ملی) و دین و مذهب خود (نمادهای مذهبی) به تقویت روحیه ملی در جامعه پردازند. در این میان:

❖ رواج روحیه همکاری و همبستگی در میان مردم؛
 ❖ حرکت به سمت یافتن و میدان عمل بخشیدن به عناصری که توانایی جذب و جلب توده‌هایی از جامعه (مشخصاً جوانان) را برای درک عمیق از مفاهیم سنتی و غنی ایرانی و اسلامی داشته باشند؛

❖ ارائه راهبردی ابتکاری و مقوم جهت کاستن از درگیری‌های قومی و مذهبی؛
 ❖ تلاش برای جلوگیری از مهاجرت مغزها با توجه به تأثیرات مخرب فعلی و آتی آن؛
 ❖ ارتقای ابزارهای مرتبط با اعتماد به نفس ملی با تکیه بر دو عنصر «هویت ملی» و «خردورزی دینی»؛

❖ تقویت رابطه متقابل حکومت و مردم؛
 ❖ افزایش اعتماد ملی در هر دو سطح و همچنین تعمیق مشروعیت دولت از طریق مشارکت، کارآمدی و پاسخگویی؛

❖ ساماندهی پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط با اقوام ایرانی، ارتباطات قومی و میان‌فرهنگی در چارچوب ملی و تلاش جهت ارتقای عناصر مقوم وفاداری ملی و رفع نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های ناشی از تمایلات گریز از مرکز (قیصری، ۱۳۸۶: ۷۱)؛

❖ تقویت و تعمیق حاکمیت قانون، امنیت قضایی، آزادی‌های سیاسی شهروندان و احترام به حقوق بشر به منظور تقویت روابط دوجانبه ملت دولت و تحکیم زمینه‌های اقتدار نرم دولت در عرصه‌های داخلی؛

❖ و نهایتاً تلاش برای تربیت و میدان دادن به افرادی در صحنه سیاست که عشق به خاک ایران را در دل، ترس از خدای یگانه را در جان و آگاهی کامل از دوران اقتدار و پتانسیل‌های نهفته در جمهوری اسلامی را داشته باشند، از جمله ملزومات این حرکت ملی به حساب خواهد آمد.

یقیناً پیامد اجرای این سیاست‌ها می‌تواند ارتقای مؤلفه‌های قدرت نرم در کشور و تأثیر مثبت آن بر حوزه‌های تعامل داخلی و در نهایت، ارتقای توان کشور در مقابله با تهاجمات نرم خارجی باشد.

منابع و مأخذ:

منابع فارسی:

۱. روشندل، ا. جلیل، (۱۳۸۷)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت.
۲. گلشن‌پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. میلسن، ژان، و همکاران، (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین، قدرت نرم در روابط بین‌الملل؛ ترجمه: دکتر رضا کلهر، سید محسن روحانی؛ انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. نای، جوزف، (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه: سید محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۵. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. افروغ، عماد، (بهمین ۱۳۸۹)، برای اخلاق انقلاب کردیم، هفته‌نامه همشهری جوان، شماره ۲۹۸، ص ۱۰.
۷. بلیک، ژانت؛ گلشن‌پژوه، محمودرضا؛ (تابستان ۱۳۸۹)، قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی، راهبرد، شماره ۵۵، صص ۱۲۳ - ۱۳۷.
۸. قیصری، نوراله، (۱۳۸۶)، تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی، پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۸.
۹. ملکی، عباس، (۱۳ اسفند ۱۳۸۶)، سیاست خارجی توسعه‌گرا منبع قدرت نرم: توصیه‌هایی برای ایران، روزنامه اعتماد ملی.
۱۰. نائینی، علی محمد، (بهار ۱۳۸۹)، درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۱-۳۲.
۱۱. نای، جوزف، (۱۳۸۷)، رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه: الهام شوشتری‌زاده، محمودرضا گلشن‌پژوه، ابرار معاصر تهران.

منابع انگلیسی:

1. Akyol, 1. Mustafa, (April 30, 2010) , Turkey's Soft Power in the Arab World, Daily News.
2. Monji, Kenjiro, (Winter 2010) , Pop Culture Diplomacy, Public Diplomacy Magazine, pp. 104-111
3. http://en.wikipedia.org/wiki/soft_power

I.R.Iran's Soft Power, The Most Effective Way to Defend Imposed Soft War

Mahmoudreza Golshanpazhooh
Ph.D. in Mternational Relations Tehran University

Enforcing power through attraction while avoiding use of brute force and subornation, provides every country's statesmen with a wide and attractive, and in the meantime, sensitive and delicate range of possibilities. In the highly globalized world of today, governments that are able to project a brilliant image of themselves in the public opinion will have a profoundly useful, and often popular, tool at their disposal to promote their goals and policies. Such governments will be also in a better position in the highly competitive international atmosphere to have a more powerful, and more importantly, more sustainable effect on regional and international interactions.

The present paper means to provide a clear picture of the concept of soft power with more emphasis on its cultural aspect, introduce its sources, and review various sources and instruments of the Islamic Republic of Iran's soft power. An important part of the paper has been dedicated to viewpoints on how to counteract the soft war imposed on Iran by taking advantage of the country's soft power components.

The main hypothesis of the paper is that the Islamic Republic of Iran's soft power components, including in such fields as culture, science and arts, as well as spiritual concepts of the Islamic Revolution, are attractive enough to not only enable the Islamic establishment withstand the West's soft war, but also to promote the Islamic Republic's power and national security.

Keywords: Islamism, Iranian, soft war, culture, Soft power